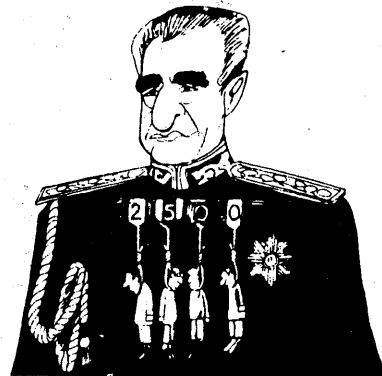


جنایت تکان دهنده

مزدوران شاه در کوی دانشگاه



جلاد ننگت باد!

و حتی با همه احساس و صمیمیت خود برای آن ها گریستند. این پاسخ خلق به درخیم بود. امام هبا دانشگاهی و دختر و پسر همچنان پس سر منزل ماندند. بسیاری از اینان شب را در کویچه و خیابان و اقلیدر پارک فرج به صبح رساندند.

حادثه مجمع کوی دانشگاه تنها جلوه ای از سرشت ضد ملی و ضد بشری رژیم مغرور و لبرزان شاه و شرکا را منعکس می کند. در حالی که تمامی دانشگاههای کشور به دست دیکتاتور تحویل شده است، در حالی که حقوق استادان دانشگاه صنعتی و دیگر استادان رزمند آزاد مکه و در برابر خود کاکلی های فزون از حد جباران و جنایتکاران و توطئه های مطلق جبارانواران قد علم کرده اند. قطع شده. در حالی که مد ها دانشگاه از دانشگاهها اخراج شده اند و با انحلال نیمی از کادر

دانشگاه صنعتی می بینیم. همین که ابادی رژیم برای به زانوس در آوردن استادان شریف حقوق آن ها را قطع کردند. دانشگاهیان صندوق ویژه ای برای تأمین نیازهای جرم استادان ایجاد کردند و بسیاری از بازاربان و دیگر آزاد پخواهان برای ساده دادن به این صندوق اعلام آمادگی کردند. دستی که چون مشت از دانشگاه به خیابان آمد. در بازار مفرده شد. خلق زیر ضربه های استبداد د بوانه و میهن پر باد، به هم جوش می خورد. خون فرزندان روشنفکر خلق در دانشگاهها به خاک می ریزد. امامها فرقه خسون، شعله های مبارزه بیشتر زبانه می کشند. کارگردانان همه شب بازی ساوا و دشمنان درباری و آموزگاران و مربیان آن ها در سازمان سیا و انطبقت سرو پس می گوشتند تا با خرابکاری، توطئه جنسی، صحنه سازی های متنوع و رسوا شکستن شیشه ها، در ها و در هم کوبیدن آزمایشگاهها، حمله به موسسات علمی و ماجراجویی های رنگارنگ، تظاهرات و مبارزات پر شور میهنی را خدشه دار سازند. از مسر دست منحرف کنند، به بیوا بکشند، پایه صورت ترش های کور و عصیان صیبت و پس هدف یک مشت جوان پرخاشجو، آتار ششم، جلوه دهند. اما این دسیسه ها هر روز بیشتر افشا و رسوا می شود. این حسابی زانیت و تزویج هم بی رنگ می شود. دانشگاه بان و دیگر میهن پرستان و ستونندگان از دشمن می آویزند که بیکار حاصل بخش فقهی چیست و میدان واتمی مبارزه چیست. این درسی است که یک بار دیگر در میان خون های گرمی خوابگاه دانشگاه بان در هفته ای که گذشت، شکفته های خونین به بار آورد.

اکین خود کبود و مسجوح کردند، دانشگاهیانی را که بی خبر از همه حال در اتاق های خود سرگرم درس خواندن بودند، مورد حمله دستسسه جمعی قرار دادند و آن قدر زو با کوبیدند و بد نشانرا به در و دیوار زدند که کف زمین و پیته و دیوارها قره در خون شد.

در اهلغار و مخشانه کوی دانشگاه بهتر از ۳۰۰ کاندوی مسلح به باتوم الکتریک، مسلسل تنگ و چماق شرکت داشتند. آن ها برای مرعوب کردن جوانان دانشگاه صدها توتو هواسی شلیک کردند و محیط خوابگاهها را با گاز اشک آور پوشاندند. یکی از خبرنگاران توده که از نزد یک شاهد این صحنه و وحشتناک و انتقام شریوانه رژیم شاه - ساواک آرزوشدهگان و فرزندان نیمه خلق بود، از این ساعات ننگین رسوا، تصاویر تکان دهنده ای ترسیم کرده است. او در گزارش خود می نویسد:

«کاندوی ششم می دادند، نمره می کشیدند و حمله می کردند. هر چند نفر یکی از دختران با پسران را محاصره می کردند و با کتکهای حواسی بر سر او می ریختند. به قصد کتک می زدند، لگدمال می کردند و صدها می شیشه یوز و خرناسه سر می دادند.

پسران دانشگاه و دختران را در پشت صفی خود پناه داده بودند. اما با دست خالی در برابر این همه قساوت و این جنون عصبی و بیچارگانه چه می توان کرد!

وقتی صحن کوی به میدان خونین یک جنگ مطلوب بدل شد، کاندوها وارد اتاق دانشگاه بان شدند، در راه راهبند شکستند، پنجره ها را خرد کردند. لایب هارابه زینکندند و زیر پا انداخته اناث و لوازم اتاق هارا دافان کردند. با باتوم شیشه پنجره هارا شکستند و سرانجام هرچه کتاب و جزوه و پتو و ضبط صوت و یاد بو و لباس یافتند به وسط مسوطه کوی منتقل کردند و آن هارا به آتش کشیدند. شوق و لیسندت حیوانی بعضی از این دشمنان و قربانیان جیل و دیکتاتوری در این جشن کتاب سوزان، بهشت بیننده راه لیزه در می آورد. کتاب ها زبانه می کشیدند و تکلیفانان و مزدوران رژیم شاه قهقهه می کشیدند. آن ها از دانش و فرهنگ انتقام می گرفتند. مگر نه این که دانشگاه همیشه یکس از سنگهای استوار آزادی و سربد شد. دیکتاتوری بوده است...»

ضرب و شتم دانشگاه بان و تاخت و تاز در محیط خرد و فرهنگها این شیوه خشن، در دشمنانه و فاحش آمیز سه چهار ساعت ادامه یافت. اکثر دانشگاهیانی که موفق شدند از این مهلکه جان سالم به در برند، در آستانه امتحانات خود در کویچه و خیابان ها سرگردان شدند. دانشگاه بان کوی از شهرهای دور و نزدیک به تهران آمده اند، بنابراین با یوران شدن خوابگاههای آن ها، جایی برای زندگی ندارند. تعداد از آوارگان کوی به خانه دوستان و آشنایان و فامیل خود رفتند. اما بسیاری از خانه ها و خیابان ها کوچک های اطراف این میدان جنگ اهریمن و فرهنگ، درهای خود را به روی صدها دانشجوی بی مجلس برای پختو تاشبانه گذاشتند. خانواده ها با آتش باز فرزندان مسجوح و مبارز وطن را به پوتند. از آن ها هاستاری کردند.

با هجوم خونین و بربرشانه گرازهای شاه به خوابگاه دختران پسران دانشگاه، شهید ای جدیدی به آمار شهیدان دانشگاه هسی ایران افزوده شد و داغ ننگ ابیدی، پشمانی سیاه رژیم رو سپهان و درخیمان راسیاه تر کرد. حوادثی که روز پنجم ۱۱ خرداد ماه در کوی دانشگاه - خیابان امیرآباد شمالی رخ داد، تنها با خاطره چرکین و بلند ترکانی جنگیز و تپو و شاهکارهای جنایی آنجا و هیتر فاسیل قلمبسته است. در این لشکرکشی شرم آور علیه دانشگاه بان بی سلاح که تنها گناه آن ها آزادی خواهی و میهن پرستی است، حداقل یک دختر و دویسر دانشگاه شهید شدند. صدها نفر به شدت مسجوح و مهدوم و مسموم گردیدند. و گروه بزرگی از دانشگاه بان بازداشت شدند. حادثه با تظاهرات شب سه شنبه نهم خرداد ماه وارد مرحله بحرانی خود شد. در این تظاهرات در حدود دوهزار دختر پسر دانشگاه که از تعدادی و اجحاف گارد و برقی مد اوم سر نیزه در محیط زندگن خوابگاه خود به ستوه آمده بودند، خواستار پایان دادن به شرایط پلیسی و تعسفی توهین آمیز اتاق ها و نظارت شد. بد بر رفت و آمد ها و نشست و برخاست های خود شدند. آن ها تظاهرات زدند. سایه شوم دیکتاتوری را از محیط دانش و صدمه زدگی خصمی مایور کشید.

تظاهرات اعتراضی دانشگاه بان با اخراج گارد ها از کوی دانشگاه پایان گرفت. به نظر می رسد که توان فروخته و دانش پژوهان جوان کارآمدگی خود را برای امتحانات دانشگاهی از سر گرفته اند. اما واقعیت جز این بود. دیکتاتوری این همه اسلحه را برای زینت دادن خیابان های شهر، در ازای تاج دادن توتو های ملی شیشه نکرده است. اوتشبا با کینه گولوه و سر نیزه و خون و مرگ و تنگنه می تواند زنده بماند. بدون این دندان های درنده و قلبی ترسمنه از او جز خاکستر باقی نمی ماند.

چگونه پشمان و قدره بندان شاه با استفاده از فرصتی که برخوردار دانشگاه بان با گارد های کوی دانشگاه و تظاهرات پر دامنه و قهقهه آن ها بد بد آورده بود، طرح یک دسیسه در بلانه را ریختند. آن ها تصمیم به تعطیل کوی و تاراندن اجتماع دانشگاه بان مبارز و زهر چشم گرفتن از آنان گرفتند. به این ترتیب دانشگاه بان که طبق فرانسوی برای حل و فصل مسائلی که پیش آمده بود، به دیدار سرپرست کوی رفتند، به جای او با کاندوهای مسلح و آماده حمله رهبر شدند. کاندوها با جوسو باتوم و مشت و لگد به جان دانشگاه بان افتادند. گیسوان دختران دانشگاه را به دور دست های خود پیچیدند و آنها را بر کتفان کشان، روی زمین مسوطه کوی گردانند. سردان دانشجویان پسر آن قدر به دیوارها کوبیدند که دهان آن راتان ببوس شدند. دختران را با تاخت گستاخانه ای در خوابگاه آن ها حمله دریدند و تن آن ها را زیر ضربات باتوم و مشت و لگد و حتی دندان های زهر

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه